



فاطمه جمال پور

نزدیک به دوسال از آغاز عمرانی پیاده‌راه‌سازی میدان امام‌حسین(ع) تا ۱۷شهریور می‌گذرد. ط‌رحی که شهرداری تهران بدون اخذ اجازه از شورای شهر آن را آغاز کرد و هدف آن ایجاد پیاده‌راه آیینی در این منطقه بود. حد فاصل دو میدان بیسته شد و پیاده‌راه شد و… حالا با گذشت دوسال صدای اهالی و کسبه محل درآمده است. صدای اعتراضی که کسی آن را نمی‌شنود. برای شنیدن نظرات مردم، راهی میدان امام‌حسین(ع) و خیابان ۱۷شهریور می‌شوم. ساعت ۱۰صبح اما تک‌وتوک مغازه‌ها باز هستند. برخی از مغازه‌ها خالی هستند و کاغذ «اجاره داده می‌شود» زیاد به چشم می‌خورد. نخستین مغازه‌ای که وارد می‌شوم یک طلافروشی است. پسر جوان کم‌حوصله‌ای پشت د‌خل نشسته است. نظ‌رش را درباره طرح جو‌یا می‌شوم. می‌گوید: از یک لحاظ خوب شده از یک لحاظ هم بد شده است. می‌پرسم: «از چه لحاظ خوب شده و از چه لحاظ بد شده است؟» جواب می‌دهد: از لحاظ تمیزی و دودوم‌و بهتر شده است. از لحاظ کالسیی بدتر شده است. یک مقدار رسیدگی کنند حداقل تا یک مسیری را باز کنند که ماشین بتواند تردد کند.

مغازه بعدی طلافروشی بزرگی است. مردی مسن و شاگردانش پشت وپ‌ترین نشسته‌اند و مرد مسن می‌گوید: بد شده است. رفت‌آمدی نیست. کالسیی خ‌بری نیست. حداقل یک طرف خیابان را باز کنند که ماشین‌ها بتوانند رفت‌وآمد کنند. اینجا شاهراه بود. کاسب‌ها همه، کالسیی‌شان از بین رفته است. ۵۰۰، ۶۰۰مغازه کالسیی‌شان از بین رفته است. ضرر جزو هیچی نداشته است. ۱۰ به سه ده مشتری‌هایمان. اگر قبلاً ۱۰ تا مشتری داشتیم الان روزی سه تا مشتری داریم.

می‌پرسم: «توقع‌تان چیست؟»

می‌گوید: پارکینگ بگذارند حداقل یک‌طرفه‌اش کنند.فایده‌ندارد، کار نسنجیده‌ای بوده است. مغازه‌های پیچ‌شم‌رون شده سه‌میلیارد، چهارمیلیارد، مغازه‌های اینجا شده یک میلیارد، س‌رق‌فلی‌ها پایین اومده، مصیبت داریم، نمی‌دانم این طرح عجیب‌وغریب را از کجا آورد‌اند. باید هزینه می‌شد هزینه‌ها دست به دست می‌گشت از این هزینه‌ها چیزی به کسی می‌رسید نمی‌دانم. تمام ماشین‌فروشی‌ها و کالسیی‌های دیگر از اینجا رفتند. کمی جالوتر می‌روم. وارد یک مغازه آرایشی -بهداشتی می‌شوم. نظر پسر جوان فروشنده را درباره طرح جو‌یا می‌شوم. می‌گوید: از این بدتر نمی‌شود دیگر، از نظر شکل و شمایل ظاه‌ری خوب بوده است اما از نظر رفت‌وآمد کسبه و مردم محله بسیار سخت شده است. شب‌ها اهالی محله که می‌خواهند رفت‌وآمد کنند اصلاً نمی‌توانند و ماشین‌ی وجود ندارد و باید حتماً پیاده بروند و بیایند. یک‌سری ون گذاشتند کالسیی می‌گذارند دوماه بعد برمی‌دارند. سه روز قطار گذاشتند و دوباره برداشتند. بیشتر این زنان خیابانی که اینجا هستند را نتوانستند کاری کنند. چراغ‌هایی که اینجا گذاشتند شب‌ها اکثراً خاموش است، به‌جز برخی شب‌های عید و اینها، اعتراض کر‌دیم به ری‌س سازمان زیباسازی گفتند یک‌میلیارد پول برق آمده است، نداریم. بماند که چندین میلیارد اینجا هزینه شده است حالا پول این برق را ندارند بپردازند.»

می‌پرسم: «منطقی بود به نظر شما این کار؟ به نظر شما هدفشان از این طرح برآورده شده است؟»

پاسخ می‌دهد:«نسنجیده بود حالا هدف هرچه که بود. در همین راسته خود ما ۲۰مغازه ورورش‌تگ شده‌اند. بماند آن پایین نمایشگاه‌دار‌ها واق‌عا به خاک سیاه نشستنند. تدبیری برای این کار اندیشیده نشده است. یک دفعه این کار را شروع کردند خیلی زما‌ن‌بر و هنوز که هنوز است پروژه نیمه‌کاره است. برای مردم هم هیچ توضیحی ندادند. حتی این رویه‌رو که مجوز ساختمان دادند به اجبار نقشه ساختمان دادند که باید این شکلی ساخته شود. چه دلیل دارد این کار، معلوم نیست. بحث پارکینگ و رفت‌وآمد خود‌ماست. دوتا ماشین را می‌گذارند باید سه تا ماشین را نمی‌گذارند. بیاید. یک موقع ما بار داشته باشیم باید سه ساعت چانه‌بریزیم که بتواند بار را بیاورد. بیک‌موتوسوری می‌گیریم بار را از بازار بیاوریم سه‌برابر چهاربرابر باید هزینه پرداخت کنیم. مشکلات خیلی زیاد شده است هیچ حساب‌و کتابی ندارد و هیچ تدبیری برایش اندیشیده نشده است. مثلاً باغچه می‌سازند یک ماه بد‌ش گل‌ها را عوض می‌کنند یک‌ماه بد‌ش دور یک‌سری را نرده می‌کشند یک‌سری را نرده نمی‌کشند. حوض آب‌نما زدن تا به حال یکبار فقط را‌مانداری کردند. راه نمی‌ان‌ازند زیبایی و خنکی برای مردم داشته باشد. مردم



روایت مردم محله از طرح پیاده‌راه‌سازی میدان امام‌حسین(ع) تا میدان شهدا

همه‌چیز خراب شده است

استفاده کنند، کی قرار است استفاده شود، مشخص نیست. ما خ‌ودمان یک برهه‌ای کارمان به جایی رسید چک‌هایمان بر‌گشت خورد، اما ایستادیم کار کر‌دیم با بدیختی تا کالسیی‌مان را نگه داریم. از آن طرف شهردار قول داد سال ۹۱ از ما عوارض دریافت نکند آمدند قیش‌های عوارضش را جمع کردند اما با این حال بازهم عوارض برای ما آمد و نامه تهدید تابلو هم آمده است. مشکلات خیلی زیاد شده است و هیچ تدبیری ندارند. از آن طرف مالیات‌ها هم دوبار بر‌شده است شهرداری گفت نامه می‌دهیم تا مالیات‌هایتان کاهش پیدا کند اما وقتی آن نامه را برای سازمان امور مالیاتی بردیم گفتند هیچ ارزشی ندارد. در صورتی که قانون است هر‌جا عملیات عمرانی می‌شود دارایی باید مالیات‌ها را تعدیل کند. ن‌تنها تعدیل نکردند بلکه مالیات‌ها دوبار‌بر شده است مالیات همسایه کناری هشت‌برابر شده است.

اجحاف شده در حق کسبه، در حق مردم هم به همین ترتیب است. فرقی ندارد. رفت‌وآمد مردم سخت شده است همه ماشین ندارند دم در خانه پیاده شوند. پیرزن و پیرمردی که خانه‌اش ۱۰کوچه پایین‌تر است و وسط این طرح قرار گرفته است و بطور باید رفت‌وآمد کند اگر وسیله نداشته باشد؟ یا باید منتظر باشد در ساعتی که شهرداری تعیین می‌کند از اینجا رفت‌وآمد کن‌ید در سایر مواقع نمی‌توانید. چراغی وجود ندارد مرد می‌انسال قلدرش هم جرات نمی‌کند شب‌ها اینجا به تنهایی در تاریکی رفت‌وآمد کند، ماشین‌ی هم که وجود ندارد. هیچ حساب و کتاب و برنامه‌ریزی‌ای نشده است. تنها کار‌های مقطعی انجام می‌دهند. به عنوان مثال سال گذشته برای عید غدیر اینجا جشن بر‌گزار کردند و تمام شد. بقیه‌اش تنها محدود به سو‌گوری‌ها شده است. هر مراسم سو‌گوری بشود، برقرار می‌شود و جشن‌ها تعطیل است. برای میلاد امام جواد(ع) بن‌ر نصب کردند که به علت عملیات عمرانی تعطیل است. واق‌عا بر‌گزاری یک جشن اینقدر سخت است؟ این طرح تنها برای هیات و عزاداری بوده است؟

بازهم پایین‌تر می‌روم. وارد مغازه کتابفروشی می‌شوم. پیرمردی کتابفروش با موهای پنبه‌ای و دست و صدای لرزان در پاسخ سوالم می‌گوید: بیش از ۴۰، ۵۰پار آمدند مصاحبه کردند س‌ین جیم شده‌ایم و در مجموع کاروکسب خراب شده است.

می‌پر‌سد: ضبط‌ت روشن است؟

می‌گویم: بله

می‌گوید: اصلاً من نمی‌خواستم جواب شما را بدهم

می‌پرسم: چرا؟

می‌گوید: از طرف شهرداری آمدید؟

می‌گویم: نه، خبرنگار روزنامه «شرق» هستم. برای تهیه خبر مشکلات و مسایل اهالی محل آمدم.

راضی به صحبت می‌شود می‌گوید: من نزدیک به ۵۰سال است اینجا هستم هیچ ن‌دارد. رفت‌وآمد مردم سخت شده است.



عکس‌ها: امیر جعفری، فریاد

جامعه

نگاه

اقدام خودسرانه شهرداری

حمزه شکیب'

مشکلات طرح پیاده‌راه بین میدان امام‌حسین(ع) و میدان شهدا همچنان به ق‌وت خود باقی است. مشکلاتی که ۹ماه پیش اعضای شورای شهر تهران با حضور در منطقه و مشاهده و گوش‌زد‌کردن آنها به شهرداری سعی در رفع آنها داشتند. آنچه در ادامه می‌خوانید اظهارات اعضای شورای‌شهر درباره ط‌رحی است که بدون اجازه شورای‌شهر اجرا شد و مشکلات متعددی را برای اهالی منطقه ایجاد کرد.

پیاده‌راه خیابان ۱۷شهریور مصوبه شورای شهر و ردیفی در بودجه مصوب شهرداری ندارد و اعتبارات صرف‌شده در آن «هزینه فاقد» محسوب می‌شود. اساس پیاده‌راه‌سازی در تهران کار خوبی است اما پیاده‌راه‌سازی باید با پشتوانه کارشناسی انجام‌شود.کمالی‌نکه‌در همه کشورهای دنیا در بافت‌های قدیمی و مراکز شهر لزوم پیاده‌راه احساس می‌شود. به ط‌رح پیاده‌راه‌سازی خیابان ۱۷شهریور حدفاصل میدان امام‌حسین(ع) تا میدان شهدا انتقادات زیادی وارد است و ای‌سن ط‌رح مصوبه شورای شهر را ندارد و ردیف بودجه نیز برای آن پیش‌بینی نشده است. بنابراین اعتبارات صرف‌شده در پروژه پیاده‌راه ۱۷شهریور هزینه فاقد محسوب می‌شود و تخلف است.

در بودجه شهرداری تهران ردیفی برای ساماندهی میدان‌مهم شهر از جمله میدان شهدا و میدان امام‌حسین(ع) پیش‌بینی شده بود، اما پروژه‌ای تحت عنوان پیاده‌راه‌سازی در بودجه منظور نشده و شهرداری با اجرای پ‌رژوه غیرمص‌وب، مرتکب تخلف شده است. شهرداری قصد خود را از ایجاد‌کردن خیابان ۱۷ شهریور، فراهم‌کردن محلی برای آیین‌های مذهبی، عنوان کرده است اما نمی‌توان تنها با استفاده از دو نام میدان، به یک معبر نسبت آیینی داده شهرداری می‌پرسم: قیلاً بط‌ور بود؟

می‌گوید: قیلاً خوب بود. ایستگاه اتوبوس بود مردم می‌رفتند می‌آمدند می‌خریدند الان رفت‌وآمد بی‌نهایت کم شده است و در مجموع خراب شده است. تنها قش‌تگ شده است که آن هم زیربنایش درست نیست. به فوریت یک کار‌هایی کردند مرت‌ب ماشین می‌رود می‌آید همه روز‌های هفته همین قدر خلوت است. اکثر مغازه‌ها با ورش‌کست شدند یا کالسیی نیست و تنها روزی یکی دو ساعت می‌نشینند و می‌روند. از آن طرف مالیات می‌خواهند، عوارض می‌خواهند در حالی که خرج خود صاحب مغازه در نمی‌آید.

می‌پرسم: مس‌و‌لان شهرداری جوا‌بوگو نیستند؟

می‌گوید: اصلاً در همه جای دنیا اول می‌آیند نظر اهالی محل را جو‌یا می‌شوند مثلاً در آلمان وقتی می‌خواهند قیمت یک کالا را چند مارک افزایش دهند، اول از مردم نظر‌خواهی می‌کنند تازه آن را هم می‌گویند می‌خواهند خرج ک‌جا کنند اما اینجا ما اصلاً خبر نداشتیم.

یکسال‌ونیم است که ما بیکار هستیم و به نظر من هنوز تمام نشده حالا هر‌کس اینکار را کرده است قالی‌باف یا هر فرد دیگری. اینجا هم که آمده بود جلوش را مردم گرفتند و گفت عجله نکندید درست می‌شود، راه را باز می‌کنیم اما هیچ کاری نکردند. مرد کفش‌فروش عصی جواب می‌دهد و می‌گوید: من وقت نا‌هارم است فقط این را بگویم که مردم را به دزدی انداختند همه را دزد کردند، ان‌شاءالله خیر نبیند هر‌کس که باعث و بانی این ط‌رح بوده است.

می‌پرسم: یعنی دزدی زیاد شده است؟

با عصیانیت پاسخ می‌دهند: همه چیز، دزدی، فساد، فحشا همه چیز. کالسیی

کجاست اصلاً کجاست کالسیی؟ اصلاً بخ‌زند ما برویم.

ترسیده به ۱۷شهریور وارد یک ساندویچ‌فروشی می‌شوم. پسر جوان ساندویچ‌فروش می‌گوید: از منافعش که فقط آرام شده است اما کالسیی و زندگی اینجا مختل شده است. باید خودرو را با این وضع امنیت آن سر خیابان ر‌ها کنیم بیاییم وقتی بار داشته باشیم پ‌درمان در آمده است. از آن طرف می‌گویند در نما‌نیاید کولر داشته باشید. تابلوها را باید عوض کنید. مغازه‌های نبشی در این گرما کولر ندارند.

می‌گویند که نه کاتال کشی باید داشته باشید نه کولر. یک‌سری گفتند ب‌ر‌دارید ما گفتیم کاری ندارند که کسی نمی‌آید کولرها را ب‌کند ب‌برد، آمدند ۵۰ کولر را ک‌ندند و برند. رفتیم با التماس از شهرداری گرفتیم. شب ساعت ۹ نمی‌توانید پیاده بروید خانه نه لامپی روشن است نه هیچی. تاریکی مطلق است. هیچ حرکتی نمی‌کنند. هیچ‌چ‌وره نمی‌شود اینجا کالسیی کرد ما هم خ‌لاوقی‌لی از ناچار‌ی مانده‌ایم. چهار تا دانه بقالی و ساندویچی فقط باز است. هیچ ص‌ن‌فی اینجا جواب نمی‌دهد. الان اینجا هیچ‌کس نمی‌داند چه ص‌ن‌فی جواب می‌دهد. نه از عوارض صرف‌نظر کردند نه مالیات نه هیچی.

در خیابان نظ‌ر زن جوانی را جو‌یا می‌شوم. می‌گوید:«به غیر از اینکه کالسیی کس‌ا شده، رفت‌وآمد سخت شده است. چ‌ندوقت پیش خانه‌ای نه کوچه‌ما آتش گرفت آتش‌نشانی نتوانست بیاید داخل کوچه. خانه سوخت و بدیخت شدند هیچ‌چیز برای ما نداشت جز قش‌نگی خیابان، همین. همه خیابان‌ها بسته شده است. هر میهمانی بخواهد بیاید نمی‌تواند بیاید. اصلاً راضی نیستیم. فقط در محرم دسته می‌آید می‌رود. برای خرید یک س‌بزی باید کلی پیاده برویم و بیاییم. ما بنگاه مسکن داریم سه، چهارماه است در این مغازه یک لقمه نان در نیامده است. به نظر من کار خوبی نیست. برای کسبه بد شده است و دوم اینکه این ط‌رح را گذاشت‌اند و خود دوست‌م نه اگر پول بدهد می‌گذارند ماشینش را بیاورد. می‌گویند مجوز بخ‌رید. پول بدهید که بتوانید با ماشین بیایید. ساعت از یک ظ‌هر گذشته و دیگر برنده هم در خیابان‌ها پر نمی‌زند. تک‌وت‌و کالسیان هم دیگر رفته‌اند و شاید در این ق‌ر که آن‌ها می‌صرف‌د بعدازظ‌هر کر‌ه مغاز‌مشان را بالا ب‌کشند یا خیر؟



ادامه از صفحه ۷

فکر کردن به «ویرانی»

✎ تصور خامی که در ایران از مدرنیته وجود دارد عبارت است از هر چیز نو در تقابل با سنت‌های کهن. برداشتی که می‌توان آن را تحت عنوان کلی ایندولوزی («بیشرفت» بر‌رسی کرد. به نظر می‌رسد «تاریخ ط‌بیعی زوال»، تلاش است این برداشت ساده‌انگارانه را زیر سؤال ببرد و با به‌میان کشیدن دیالکتیک تخریب و سازندگی ردی از زوال را در امر نو عیان کند. یادست‌کم این اتفاق، حتی اگر هدف اصلی از نگارش کتاب نبوده، در بخش‌های مختلف آن می‌افتد. فکر می‌کنید این تصور اولیه از مدرنیته که هنوز هم بر فضای فکری ایران حاکم است چه تبعات و نتایجی را به بار آورده است؟

بی‌تردید پیامدهای قابل توجهی داشته است. متأسفانه این نگرش غیردیالکتیکی در خود غرب هم هنوز کاملاً از بین نرفته، زسیرا به نوعی با پورت‌نویسم نئولیبرال گره خورده است. به نظر من آنچه در غرب تا حدی در مقابل این دوگانگی غیردیالکتیکی میان گذشته و حال مقاومت کرده، وجود سنت است. ما نام جامعه‌خ‌ودمان را در تقابل با جامع غربی «سنتی» می‌گذاریم در حالی که درست برعکس است، اگر چیزی به نام سنت وجود داشته باشد بی‌شک غربی‌ها از آن بوی بیشتری برد‌اند. مثلاً اگر به معماری شهر‌های اروپایی نظ‌ر لندن و پاریس و رم نگاه کنید می‌بینید که نه تنها معماری‌شان هنوز عناصر کهن را حفظ کرده، بلکه اصلاً قرار نیست شهر زیر‌و‌بر و به اصطلاح «مور‌زی» شود. در این شهر‌ها هر‌گز به شما اجازه نمی‌دهند بنا‌هایی دل‌خوا‌هی بسازید، زیر بافت شهر باید دست‌نخ‌ورده باقی بماند. درست برعکس، در شهر‌ی مثل تهران در عرض ۳۰سال اخیر انواع کلب‌وس‌های معماری جایگزین بنا‌های قدیمی شده‌اند و ممکن است در کنار یک خانه طاق ض‌ربی ناگهان برجی ساخته شود به سبک امپیریا‌ر بلیدی‌نگ، البت‌ه کاریکاتوری از آن! ن‌تنها در شهر‌های ایران با نوعی سنت شهر‌سازی و معماری که در حفظ آن تلاش شود رویه‌رو نیستید، بلکه گویی اصرار بر این است که بافت قدیمی از بین برود، انگار خرابی‌کردن خانه‌های قدیمی نشانه عقب‌ماندگی است! این تنها مثالی است در عرصه معماری، عرصه‌های دیگر هم وضعیتی مشابه دارند. در هنر و ادبیات هم با همین مساله رویه‌رویم که اتفاق چیزی که نداریم سنت است. به همین دلیل حداکثر خلاقیتی که می‌توانید نشان دهید این است که فرمی غربی را بر‌دارید و سعی کنید محتوای شرقی یا ایرانی به آن دهید. مثلاً سعی کنید سبک اکسپ‌ر‌سویونیستی یا پ‌وانتالیستی را برای کشیدن تصویر مساجد به کار ب‌رید؛ یا از تکنیک جریان سیال ذهن برای نوشتن رمانی درباره سردار جنگل یا بیژن جزنی استفاده کنید اما س‌و‌تفا‌هم نظ‌ری که در مورد رابطه میان امر کهن و امر نو وجود دارد، از نگاه جوهری به هریک از این حیطه‌ها بر می‌خیزد، در حالی که هیچ‌یک از این حیطه‌ها تو‌پر و یکدست نیستند و هریک دیگری را از پیش مانند ش‌ک‌فایی در نظر دارد. یکی از مو‌تی‌ف‌های این م‌تن همین میاجی‌گری درونی است. امر نو ش‌ک‌فای در امر کهن ایجاد می‌کند میان آنچه در امر کهن پیش از برخورد با امر نو وجود داشته و آنچه تنها در پ‌ر‌تو امر نو عیان شده. ما در اینجا با نوعی غایت‌بندی یا سیر خطی (unilinearity) رویه‌رو نیستیم، بلکه رابطه میان امر نو و کهن رابط‌ی‌ای غیر‌خطی است. تامل بر رابطه میان ط‌بیعت و تاریخ یا ط‌بیعت اولیه و ط‌بیعت ثانویه یا امر اسط‌وره‌ای و امر نو در این م‌تن در همین پیش‌زمینه صورت می‌گیرد.